



دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
گروه آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی

رسالة دکتری

عنوان:

تحلیل مبانی و جایگاه معرفتشناختی مفاهیم، اندیشه‌ها و نظریه‌های
حوزه علم‌سنجی در عصر حاضر

پژوهشگر:

غلامرضا حیدری

استاد راهنما:

دکتر فریده عصاره

استادان مشاور:

دکتر عباس حُرّی دکتر محمدجعفر پاکسرشت

اسفند ماه ۱۳۸۸

تقدیم به:

مادرم،

مرحوم پدرم، و

او که بدون آن که درس اخلاق خوانده باشد، نمونه اخلاق نیکوست، و به پاس
بردباری و شکیباییاش،

همسر مهربانم که در تمام مراحل پژوهش و نگارش این پایاننامه همواره از
کمک، یاری و حمایت‌های معنویاش برخوردار بودهام.

همچنین این رساله را به فرزندان دلبندم **زهرا و تارا** تقدیم میکنم.

و

تقدیم به:

استادان بزرگوار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید

چمران، که بالاخره زحمات آنان به ثمر نشست و نخستین دانشجوی

دکترای خود را فارغ‌التحصیل نمودند.

تشکر و قدردانی

از دست و زبان که برآید که از عهده شکرش به درآید

اکنون که به یاری خداوند مهربان این رساله به نتیجه رسیده است، خدای مهربان را بسیار شاکر و سپاس - گزارم که توفیق انجام این پژوهش را به بنده عطا فرمودند و با توجه به مضمون حدیث شریف «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، مراتب تشکر و قدردانی خود را نسبت به تمام عزیزانی که در انجام این پژوهش اینجانب را راهنمایی و مساعدت فرمودند، ابراز میدارم.

در ابتدا از حمایتها و راهنماییهای ارزشمند استاد توانا، پرتلاش و بزرگووارم سرکار خانم دکتر فریده عصاره، در کلیه مراحل این پژوهش، تشکر و قدردانی مینمایم.

از استاد مسلم کتابداری و علم اطلاعات، جناب آقای دکتر عباس خُری و استاد صاحبنظر و بزرگووار جناب آقای دکتر محمدجعفر پاکسرشت که مشاور این رساله بودند و شاگرد کوچک خود را مورد ارشاد و راهنمایی قرار دادند، بینهایت سپاسگزارم.

از اساتید بزرگووار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی جناب آقای دکتر مرتضی کوبی، جناب آقای دکتر عبدالحسین فرجه‌لو، جناب آقای دکتر زاهد بیگدلی و جناب آقای دکتر عبدالحمید معرفزاده، که محیط مناسبی فراهم نمودند تا این پژوهشگر، هم با آرامش خاطر کار خود را به انجام برساند و هم از راهنمایی و مشورت آنان برخوردار باشد، قدردانی مینمایم. از دوست عزیزم جناب آقای محمدحسن عظیمی هم به خاطر همراهیهای بیدریغش در گروه سپاسگزارم.

از همکلاسیهای عزیزم جناب آقای محسن حاجیزینالعبادینی و خانمها فیروزه زارع فراشبندی و لیلا مکتببفرد به خاطر زحماتی که در مدت تحصیل برای آنها داشتم، سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر جعفر مهرا، جناب آقای دکتر محمد حسین دیانی و جناب آقای دکتر علیرضا نوروزی هم به خاطر قبول زحمت داوری و طی مسافت طولانی قدردانی و تشکر میکنم.

در پایان سپاس فراوان خود را از همسر مهربان و صبورم، به خاطر زحماتی که در این مدت برای

او داشتم و همچنین به خاطر تایپ این رساله، ابراز میدارم.

«چکیده پایان نامه»

نام خانوادگی: حیدری		نام: غلامرضا	
عنوان پایاننامه: تحلیل مبانی و جایگاه معرفتشناختی مفاهیم، اندیشهها و نظریه‌های حوزه علمسنجی در عصر حاضر			
استاد راهنما: دکتر فریده عصاره			
درجه تحصیلی: دکتری		رشته: کتابداری و اطلاع‌رسانی	
محل تحصیل (دانشگاه): دانشگاه شهید چمران		دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی	
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۸/۱۲/۱۲		تعداد صفحه: ۳۰۰ صفحه	
کلیدواژه‌ها: علمسنجی، معرفتشناسی، مبانی، جایگاه، مفاهیم، اندیشهها، نظریهها.			
<p align="right">چکیده</p> <p>علمسنجی یکی از مقوله‌های پژوهشی نسبتاً نوظهور است که امروزه در تمام حوزه‌های علمی و در سطوح ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و از رایج‌ترین روش‌های ارزیابی فعالیت‌های علمی است. ایده علمسنجی در طول زمان شکل گرفته و توسعه یافته است. این اندیشه دستاوردهای زیادی برای افراد، گروه‌ها، سازمانها، دولتها و به طور کلی در سطح جهان داشته است. در تقابل با این دستاوردها، استفاده از روشها، شاخصها و فنون علمسنجی در ارزیابی فعالیت‌های علمی، امروزه با سؤالات و انتقادهای زیادی روبه‌رو شده، به طوری که باعث تردید در مبانی و چارچوب نظری آن گردیده است. از این رو بازنگری و بازسازی نظری و معرفتشناختی علمسنجی ضروری به نظر می‌رسد. این در حالی است که بررسی پیشینه‌ها بیانگر آن است که علمسنجی تاکنون با رویکرد معرفت‌شناختی مورد مطالعه قرار نگرفته است. مسئله این جاست که نوع معرفت در علمسنجی با رویکردهای گذشته معرفتشناسی که تا حدودی سنتی و تک بُعدی است، پیوند دارد، در حالی که جامعیت بخشیدن به ارزیابی‌های علمسنجی در عصر حاضر، مستلزم استفاده از تمام رویکردها و به خصوص رویکردهای نوین معرفتشناسی است. این پژوهش با هدف تحلیل تاریخی و معرفتشناختی مبانی و خاستگاه‌های مفاهیم، اندیشهها و نظریه‌های حوزه علمسنجی و تبیین جایگاه آن در میان دیگر حوزه‌های دانش در عصر حاضر صورت گرفته است. روش پژوهش در این رساله تحلیلی- انتقادی و اکتشافی و مبتنی بر گردآوری داده‌ها از طریق متون و منابع کتابخانه‌ای بوده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رابطه تنگاتنگی بین معرفتشناسی و علمسنجی وجود دارد. علمسنجی در واقع برگرفته از رویکردهای پوزیتیویستی و عملگراییانه در معرفتشناسی و به خصوص مفهوم «علم علم» است. «علم علم» و توصیف‌های برنال، نالیمواف و پرایس از این مفهوم، جامعه‌شناسی کمی متون و فعالیت‌های عملگراییانه گارفیلد، راه را برای مدیریت و سنجش علم باز کرد. تلاش‌های این دانشمندان در آن دوران با دغدغه کنترل، استفاده و به طور کلی مدیریت اطلاعات علمی و دانش مدون و مضبوط همراه بوده است. بررسی عناصر تأثیرگذار در روند پیدایش و گسترش علمسنجی هم این موضوع را تأیید میکند. از این رو علمسنجی از یک طرف با مطالعات علم که در زمان ظهور علمسنجی بیشتر رویکرد کمی و جامعه‌شناختی داشته و از طرف دیگر با نظریه‌های اطلاعات و ارتباطات که آن هم همان مطالعات علم در قالب فرایندها و محمل‌های اطلاعاتی است، مرتبط است. این دو در واقع یکی هستند، به این دلیل مبانی نظری علمسنجی را با نظریه‌های اطلاعات نیز میتوان تحلیل، تبیین و بازسازی کرد. پیرو این دو بُعد، علم سنجی با دو نوع محدودیت یعنی کمی بودن و کتابشناختی بودن همراه است که در عین حال وجوه مشخصه آن نیز به حساب می‌آیند. به منظور رهایی از این محدودیتها، پاسخگویی به سؤالات بنیادین و بازسازی نظری علمسنجی، باید به معرفتشناسی و به خصوص روایت تازه آن در عصر حاضر یعنی مطالعات علم رجوع کرد. زیرا هرچند رویکرد عمده این گونه مطالعات کمی است، اما نباید کمی صرف باقی بماند، بلکه علمسنجی باید مبتنی بر اصول متنوع و بنیادین معرفتشناسی صورت بگیرد. از این رو علمسنجی باید در پیوند با مطالعات علم بازنگری و بازسازی شود و هرگونه نظریه‌پردازی درباره علمسنجی مستلزم توجه به آن در این چارچوب است. علم سنجی چنانچه بخواهد به عنوان یک حوزه تخصصی باقی بماند، باید در تبیین‌های مطالعات علم نقش‌آفرینی کند. چنین مشارکتی تنها در صورتی میسر میشود که این حوزه به خودآگاهی برسد و از ریشه‌های روششناختی خود در مطالعات علم استفاده کند. پژوهش حاضر در این راستا راهکارهایی برای غلبه بر موانع معرفتشناختی علمسنجی و الگویی برای چگونگی ارتباط کارآمد این حوزه با دیگر حوزه‌های دانش ارائه نموده است.</p>			

چکیده

۱۳-۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	مقدمه
۳	بیان مسئله
۵	ضرورت و اهمیت پژوهش
۱۰	اهداف پژوهش
۱۱	سؤالات پژوهش
۱۲	ساختار کلی رساله
۱۴-۱۵	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۵	مقدمه
۱۶	علمسنجی: مبانی و چارچوب
۱۸	تعریف علمسنجی
۲۳	اهداف علمسنجی
۲۵	دامنه و گستره موضوعی علمسنجی
۲۶	علمسنجی در سیر تحولات تاریخی این حوزه
۲۷	علمسنجی در حوزه مطالعات علم
۲۹	علمسنجی در حوزه کتابداری و علم اطلاعات
۳۰	علمسنجی به عنوان یک حوزه میان رشته‌ای
۳۱	علمسنجی به عنوان یک روش
۳۱	دامنه علمسنجی براساس موضوعات و مسائل مطرح شده در خود حوزه
۳۴	کاربردهای علمسنجی
۳۷	قواعد علمسنجی
۳۸	قاعده لوتکا

۳۹	قاعده بردفورد
۴۱	قاعده زیف
۴۲	قاعده پرایس
۴۳	قاعده تروزول
۴۳	روشهای علمسنجی
۴۴	تحلیل استنادی
۴۵	انواع تحلیل استنادی
۴۷	روابط میان مدارک
۴۷	تحلیل زوجهای کتابشناختی
۴۸	تحلیل هماستنادی زوجهای کتابشناختی
۴۹	تحلیل هماستنادی مؤلفان
۴۹	تحلیل هماستنادی مجلات
۵۰	تحلیل هماستنادی کشورها
۵۱	شاخصهای علم سنجی
۵۶	شاخصهای سنتی
۵۶	ضریب تأثیر
۶۲	شاخص فوریت
۶۳	شاخص نیم عمر در متون علمی یا قاعده کهنگی متون
۶۴	شاخصهای جدید
۶۴	شاخص هرش
۶۷	شاخص جی
۶۸	شاخص وای
۶۸	تأثیر متیو

۶۹	شاخصهای خاص و بومی در کشورهای مختلف
۷۲	مروری بر پیشینه مطالعات انتقادی در علمسنجی
۷۲	پیشینه پژوهش در جهان
۷۹	پیشینه پژوهش در ایران
۸۴	جمعبندی
۱۰۶-۸۶	فصل سوم: روششناسی پژوهش
۸۷	مقدمه
۸۷	انواع پژوهش در کتابداری و علم اطلاعات: با تأکید بر ابعاد بنیادی، کیفی و تاریخی
۹۱	روش تحلیل اطلاعاتشناختی
۹۶	رویکردی فرانظری به روش
۱۰۱	روش پژوهش در این رساله
۱۰۱	فرایند پژوهش حاضر
۱۰۴	روش اجرای پژوهش
۱۰۵	محدودیتهای پژوهش
۱۴۲-۱۰۷	فصل چهارم: معرفتشناسی و رابطه آن با علمسنجی
۱۰۸	مقدمه
۱۰۹	اصطلاح معرفتشناسی
۱۱۰	مفهوم و تعریف معرفت و دانش
۱۱۴	معرفتشناسی و دیگر ابعاد مطالعات فلسفی
۱۱۵	سایر ابعاد مطالعات علم و دانش
۱۲۱	معرفتشناسی علمسنجی
۱۲۴	اهمیت و فایده مطالعات معرفتشناسی در علمسنجی
۱۲۸	سؤالات اساسی معرفتشناسی در علمسنجی

۱۳۳	رویکردهای معرفتشناسی
۱۳۴	موضوع مطالعات معرفتشناسی و معرفتشناسی علمسنجی
۱۳۷	رابطه معرفتشناسی و علمسنجی
۲۱۹-۱۴۳	فصل پنجم: مبانی معرفتشناختی علمسنجی
۱۴۴	مقدمه
۱۴۶	مطالعات علم و فناوری
۱۴۹	رویکرد تاریخی و معرفتشناختی
۱۶۱	رویکرد جامعهشناختی
۱۷۳	رویکردهای مختلف به مطالعات علم و فناوری
۱۸۰	رویکرد علوم پایه و طبیعی (رویکرد فیزیکی) در مقابل رویکرد شناختی
۱۸۶	عناصر تأثیرگذار در روند پیدایش و گسترش مفاهیم، اندیشهها و نظریه‌های علمسنجی
۱۸۷	تقسیمبندی دوره‌های تاریخی پیدایش و گسترش علمسنجی
۱۸۸	دوره اول: دوره پیدایش
۱۹۷	دوره دوم: دوره گسترش
۲۰۹	جمع‌بندی: شناسایی بنیانهای تاریخی و معرفتشناختی و نوع معرفت در علمسنجی
۲۷۸-۲۲۰	فصل ششم: جایگاه معرفتشناختی علمسنجی در عصر حاضر
۲۲۱	مقدمه
۲۲۱	موقعیت علمسنجی در ارتباط با حوزه‌های پایه آن
۲۲۱	جایگاه معرفتشناختی علمسنجی
۲۲۸	شناسایی و تبیین پیش‌فرضهای معرفتشناختی علمسنجی
۲۴۲	جایگاه علمسنجی در مطالعات علم و فناوری
۲۴۷	جایگاه علمسنجی در حوزه کتابداری و علم اطلاعات
۲۴۸	ریشه‌های علمسنجی در علم اطلاعات

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۲۵۰	جایگاه علمسنجی در بین حوزه‌های سنجشی
۲۵۱	تحلیل جایگاه علمسنجی با نظریه‌های اطلاعات
۲۶۷	نتیجه‌گیری
۲۷۷	پیشنهادها
۲۹۳-۲۷۹	فهرست مآخذ

- جدول ۱-۱: تأثیر رویکردهای معرفتشناختی بر کتابداری و علم اطلاعات ----- ۸
- شکل ۱-۲: مطالعات علم به عنوان یک مسئله چندبُعدی ----- ۲۸
- شکل ۲-۲: زوجهای کتابشناختی ----- ۴۷
- شکل ۳-۲: زوجهای هم استنادی ----- ۴۹
- جدول ۱-۲: محاسبه شاخص اچ برای یک پژوهشگر فرضی ----- ۶۶
- شکل ۱-۳: فرایند پژوهش حاضر ----- ۱۰۲
- شکل ۱-۴: چارچوب نظری همپوشانی دو حوزه فلسفه علم و سنجش فعالیت‌های علم و فناوری ----- ۱۴۰
- شکل ۲-۴: نظام ارتباطی معرفتشناسی، مطالعات علم، و علمسنجی ----- ۱۴۱
- نمودار ۱-۵: رشد تصاعدی متون علمی ----- ۱۹۴
- جدول ۱-۵: گاهشمار روند پیدایش و گسترش حوزه علمسنجی ----- ۲۱۵
- جدول ۱-۶: شاخه‌های اصلی معرفت بشری و مقوله‌های فرعی و سستی آن ----- ۲۲۲
- شکل ۱-۶: تأثیر تحول در پارادایمها بر نامگذاری در حوزه علمسنجی و اطلاعسنجی ----- ۲۵۵
- شکل ۲-۶: حوزه اصلی دانشسنجی و حوزه‌های فرعی آن ----- ۲۵۶
- شکل ۳-۶: چرخه داوری خبرگان ----- ۲۶۵
- شکل ۴-۶: چرخه استناد ----- ۲۶۶
- شکل ۵-۶: فرایند تعامل ----- ۲۶۷
- شکل ۶-۶: نظام ارتباطی معرفتشناسی، مطالعات علم، علم اطلاعات و علمسنجی ----- ۲۶۹

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه

همه پژوهشها چه در داخل و چه خارج از حوزه کتابداری و علم اطلاعات، متأثر از مکاتب و سنتهای فلسفی است (یورلند^۱، ۲۰۰۰a). این در حالی است که بررسی متون نشان میدهد که در حوزه کتابداری و علم اطلاعات کمتر به این مسئله توجه شده و یکی از مشکلات این حوزه تأکید بیشتر بر جنبههای عملی، و کمتر پرداختن به رویکردهای کلنگر و جامع و غفلت از تأمل فلسفی و نظری در روند فعالیتهای عملی است. این نکتهای است که برخی پژوهشگران (مانند باتلر^۲، ۱۳۵۸؛ کرایست^۳، ۱۳۶۵؛ یورلند، ۱۳۸۱ الف، ب و ج؛ موکهرجی^۴، ۱۳۸۲؛ شرا^۵، ۱۳۸۲؛ باکلند^۶، ۱۳۸۳) بر آن صحه گذاشتهاند. از این رو، کتابداری و علم اطلاعات نیازمند ژرفاندیشی و تأمل دقیق در فعالیتهای و رویکردهای خود است. در این رساله هم رویکردهای فلسفی و دانش معرفتشناسی به این خاطر مورد توجه قرار گرفته است.

رویکردهای مختلف فلسفی و معرفتشناختی، میتوانند نقش بسیار مهمی در مقولههای گوناگون کتابداری و علم اطلاعات^۷، از جمله حوزههای سنجشی (کتابسنجی، علمسنجی، اطلاعسنجی و وبسنجی) ایفا کنند. بررسی محاسن و معایب رویکردهای مذکور نسبت به این حوزهها و توسعه دانش نظری و فلسفی در حوزههای سنجشی به درک و فهم بهتر محدودیتهای منجر میشود و مزایای رویکردهای مختلف را نمایان خواهد ساخت.

-
1. Hjørland
 2. Butler
 3. Christ
 4. Mukherjee
 5. Shera
 6. Buckland

۷. مانند فهم و درک ما از اطلاعات و نظریههای آن، نگرش به اسناد و نقش آن در ارتباط، گزینش اطلاعات، نظریههای مربوط به کارکردهای نظامهای اطلاعاتی، نقش متخصصان اطلاعاتی، بازیابی اطلاعات، تحلیل موضوعی، ردهبندی و سازماندهی اطلاعات، استفاده - کنندگان از اطلاعات، شناخت آنها، و رفتار اطلاعاتی آنان.

بیان مسئله

علمسنجی یکی از مقوله‌های پژوهشی نسبتاً نوظهور است که امروزه در تمام حوزه‌های علمی و در سطوح ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. بررسی پیشینه‌ها بیانگر آن است که به طور کلی در مورد بنیانهای فلسفی و نظری این حوزه، مطالعه چندانی صورت نگرفته، به گونه‌ای که میتوان ادعا کرد که علمسنجی تاکنون با رویکرد معرفتشناختی مورد مطالعه قرار نگرفته است. از این رو به منظور درک عمیقتر مبانی و خاستگاهها و بررسی جایگاه و ریشه‌های معرفت - شناختی آن در عصر حاضر، لازم است ماهیت و منشاء برداشتهایی که در این حوزه وجود دارد با رویکردی معرفتشناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یکی از مصادیق دانش ناقص و یکسویه، این نکته است که یک پژوهشگر در حالی که از مبنا، کلیت و هدف یک مسئله یا موضوع کم اطلاع یا بیاطلاع باشد در مورد جزئیات آن با اطمینان نظر بدهد یا دستاوردهای آن را با اطمینان کامل در عمل به کار بگیرد. حوزه علمسنجی هم مانند حوزه کتابداری و علم اطلاعات آن گونه که باد^۱ (۱۳۸۱، ص ۳۳۸) ابراز میدارد، خواه از آن آگاه باشیم یا نباشیم، بر اساس انبوهی از تصورات و پیشفرضها بنا شده است. پیشفرض های فرانظری شامل امور مفروضی هستند که به صورتی کم و بیش هشیارانه یا ناآگاهانه و اعم از این که کاربران و پژوهشگران نسبت به آنها آگاه باشند یا نباشند، در ورای فعالیتهای نظری، تجربی و عملی حضور دارند و حتی بدیهی فرض میشوند. این پیشفرضها و تصورات در طول زمان شکل گرفته و بر روی هم انباشته شده‌اند. از آنجایی که بازاندیشی در مورد گذشته همیشه به درک بهتری از وضعیت جاری منجر شده است، به پرسش گرفتن پیشفرضها و اهداف و بررسی مجدد آنها در حوزه علمسنجی و فراهم نمودن زمینهای برای تحلیل پیشفرضهای بنیادی، به ادراک بهتر وضعیت کنونی در این حوزه میانجامد و جایگاه این حوزه را روشنتر خواهد ساخت.

باد (۱۹۹۵) در بررسی سیر تاریخی شکلگیری حوزه کتابداری و علم اطلاعات بیان می‌دارد که مبانی اندیشه در این رشته ریشه در جبرگرایی^۱ (اصل موجبیت) دارد که جزء ذاتی رویکرد اثباتگرایی^۲ است. وی یادآوری میکند که ارزیابی و بازنگری در این حوزه میتواند با این شناخت آغاز شود که بسیاری از رفتارهای آدمی که در این رشته مورد مطالعه قرار میگیرند، جنبه جبری و قطعی ندارند. در این صورت بنیان بسیاری از پژوهشهای اثباتگرایانه در حوزه کتابداری و علم اطلاعات سست میشود. هر چند علمسنجی در انحصار متخصصان کتابداری و علم اطلاعات نیست، اما با توجه به حجم و روشهای پژوهش در علمسنجی که بیشتر کمیگرا و پوزیتیویستی است، به نظر میرسد نکاتی را که باد درباره کتابداری و علم اطلاعات اذعان داشته است، میتوان به علمسنجی نیز تعمیم داد.

از آنجایی که مدتهاست کارآمدی و کفایت رویکردهای پوزیتیویستی صرف، برای حل مسائل پیچیده عصر حاضر، توسط پژوهشگران مورد سؤال واقع شده، مسئله این پژوهش آن است که با مطالعه عوامل تأثیرگذار بر پیدایش و گسترش علمسنجی در طول تاریخ این حوزه، و بررسی معرفتشناختی مفاهیم، اندیشهها، پیشفرضها و نظریههای آن، چگونه میتوان مبانی و موانع معرفتشناختی این حوزه را به گونهای دقیقتر بازشناخت. پرسش بعدی این است که با وجود و پذیرش مفاهیمی مانند عدم قطعیت، ابهام، نسبیگرایی و مانند آنها، که امروزه رویکردهای غالب به حساب میآیند و تفسیر و هرمنوتیک که در مطالعات اجتماعی و انسانی جایگاه ویژه‌ای یافته است، جایگاه معرفتشناختی حوزه علمسنجی نسبت به مبانی معرفتی عصر حاضر و در میان دیگر حوزههای علم و معرفت در کجا قرار دارد؟ و نظرهاهای مختلف معرفتشناختی نسبت به حوزه علمسنجی چه تأثیری بر روند پیدایش و گسترش این حوزه داشته و دارد؟

فرض پژوهشگر بر این است که دانش کنونی در حوزه علمسنجی به دلیل تأکید زیادی که بر کمیگرایی و تجربهگرایی صرف دارد، ممکن است در سنجش مؤلفههای کمی موفق باشد، اما احتمالاً قادر نیست مؤلفههای کیفی، اجتماعی و انسانی را در این حوزه به خوبی مورد سنجش

1. Determinism
2. Positivism

قرار دهد. به این ترتیب چاره چیست؟ رویکرد ابتدایی پژوهشگر برای دستیابی به پاسخ مسئله پژوهش، توجه به مطالعات کیفی تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی و دیگر ابعاد بنیادین علم، و تلفیق آنها در قالب علم‌پژوهی یا مطالعات علم به عنوان مبانی علمسنجی است که از رویکرد کمی و عملگرایانه‌تری برخوردار است.

تمامی حوزه‌های دانش در راستای کارآمدی و پویایی خود در پاسخگویی به نیازها و مسائل در هر عصر و زمان، پیوسته باید خود را با دانش و معرفت روز هماهنگ و روزآمد نمایند و علمسنجی هم از این قاعده مستثنی نیست. از این رو در این رساله سعی بر آن است تا ضمن بررسی مبانی معرفتشناختی علمسنجی و تأکید بر کشف و تحلیل ریشه‌های معرفتشناختی مفروضات علمسنجی، با بهره‌گیری از رویکردهای معرفتشناختی نوین و پست مدرنیستی، تاریخی، تفسیری و انتقادی، مبانی و جایگاه معرفتشناختی علمسنجی بازنگری و بازسازی گردد. این کار در راستای جامعیت بخشیدن و روزآمد ساختن اندیشه علمسنجی و دستیابی به الزامات معرفتشناختی برای جهتگیری آینده این حوزه صورت می‌گیرد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورتها و اهمیت این پژوهش از دو بُعد قابل بررسی است:

الف) ضرورت‌های توجه به معرفتشناسی در کتابداری و علم اطلاعات و حوزه‌های سنجشی؛ و

ب) ضرورت‌های بازسازی نظریه علمسنجی، با توجه به نقدهایی که نسبت به استفاده از فنون، شاخصها و رویه‌های آن در عمل صورت می‌گیرد.

در ادامه هریک از این مقوله‌ها به طور جداگانه مورد توجه قرار گرفته است.

الف) ضرورت‌های توجه به معرفتشناسی در کتابداری و علم اطلاعات

«مهمتر آن است که کار عملی کنیم تا این که وقت خود را با نظریه‌پردازی بگذرانیم». این گفتار آر. اسنل^۱ که در سال ۱۹۶۴ در کنگره بین‌المللی اطلاع‌رسانی در رم بیان و با ابراز احساسات شدید حاضران در جلسه مواجه شده بود، بیانگر نگاه عملگرایانه کتابداران در طول تاریخ کتابداری است. این نگرش عملگرایانه که تک بُعدی و ساده لوحانه به نظر می‌رسد، یکی از دلایل کم توجهی به ابعاد معرفتشناختی کتابداری و علم اطلاعات است که چارچوب نظری این حوزه را با چالشها و انتقادهایی همراه ساخته است. در مقابل کسانی که نظر و عمل در هر حوزه را جدایی‌ناپذیر میدانند اغلب این سخن کورت لوین^۲ (۱۹۴۷-۱۸۹۰ م.) را مورد تأکید و استناد قرار می‌دهند که: «هیچ چیز عملیتر از یک نظریه خوب نیست» (مساوات، ۱۳۶۲، ص ۱۰۴).

هرچند مطالعات معرفتشناختی اندکی در حوزه کتابداری و علم اطلاعات صورت گرفته است؛ اما ضرورت توجه به معرفتشناسی در این حوزه اندیشه تازه‌ای نیست، به طوری که پژوهشگرانی مانند تیلور^۳، ساراسویک^۴، بلکین^۵، اینگورسن^۶ و یورلند معتقدند که مطالعه مسائل حوزه کتابداری و علم اطلاعات با رویکرد معرفتشناختی در پیشرفت آینده این علم اهمیت اساسی دارد (یورلند، ۲۰۰۰b). از طرفی شرا (۱۳۸۲، ص ۷۶) بر آن است که دلیل اصلی این که کتابداری و علم اطلاعات به منزله یک علم پیشرفت چندانی نکرده، این است که کتابداران ارتباط میان آنچه را که در این رشته می‌آموزند، نمیدانند و به احتمال زیاد بزرگترین مانع پیشرفت کتابداری و علم اطلاعات نداشتن آگاهی نسبت به «معرفتشناسی» است.

- علاوه بر ضرورت توجه به معرفتشناسی، بحث جدیدی که در مورد رابطه معرفتشناسی و کتابداری و علم اطلاعات، مطرح میشود، همسویی نسبت به تحول در رویکردهای معرفتشناختی است؛ زیرا توجه سنتی نسبت به شناخت، تحت تأثیر رویکردهای خردگرایانه بوده

1. R. Snal
 2. Kurt Lewin
 3. Tylor
 4. Saracevic
 5. Belkin
 6. Ingwerson

است که در درون ذهن جریان دارد، اما اندیشه‌های جدیدتر نسبت به مطالعات معرفتشناختی، بر نقش فرهنگ و قلمرو عوامل خاص تأکید دارد (یورلند، ۱۳۸۱ب، ص ۱۴۸).

در این راستا یورلند (۱۳۸۱ج، ص ۴۲۶) دو ادعای بنیادی در مورد رابطه کتابداری و علم اطلاعات با دیدگاه‌های معرفتشناختی مطرح میکند. یکی این که بین مسائل کتابداری و علم اطلاعات و رویکردهای معرفتشناختی وابستگی تنگاتنگی وجود دارد. بنابراین، کتابداری و علم اطلاعات میتواند از شناخت مکاتب بنیادین معرفتشناسی، مطالب زیادی بیاموزد. دوم این که کتابداری و علم اطلاعات برای غلبه بر مشکلات خود باید جهتگیری خود را به سوی هم - خانوادگی با مکاتب معرفتشناختی تاریخ-مدار تغییر دهد. یورلند (۱۳۸۱ج، ص ۴۲۹) در بیان رابطه بین کتابداری و علم اطلاعات و معرفتشناسی تا آن جا پیش میرود که ابراز میدارد: «من گاهی برای بیان این که کتابداری و علم اطلاعات نوعی معرفتشناسی کاربردی است، وسوسه میشوم».

از این رو دیدگاه‌های مختلف معرفتشناختی تأثیری بنیادین بر نظریه‌های مربوط به حوزه کتابداری و علم اطلاعات دارند. به طوری که یورلند (۱۳۸۱الف) ادعا میکند که معرفت شناسی بر همه پرسشهای اساسی در کتابداری و علم اطلاعات تأثیری عمده دارد. جدول ۱-۱ تأثیر برخی از رویکردهای معرفتشناختی را بر کتابداری و علم اطلاعات به گونهای کلی نشان میدهد. تأثیر پیشفرضهای معرفتشناختی به یک حوزه خاص محدود نمیشود، به طوری که پیشفرضهای تلویحی فلسفی نه تنها در پس کارهای متخصصان اطلاعات، بلکه در ورای رفتار متخصصان حوزه علمسنجی هم وجود دارد.

جدول ۱-۱: تأثیر رویکردهای معرفتشناختی بر کتابداری و علم اطلاعات

رویکرد معرفتشناختی	کاربرد در کتابداری و علم اطلاعات
تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم	علمسنجی/کتابسنجی، سنتهای حاکم پژوهشی در اطلاع‌یابی، مطالعات استفاده‌کنندگان، ردهبندی دیویی.
خردگرایی	سنتهای پژوهشی حاکم بر پژوهشهای ردهبندی مانند تحلیل چهریزهای رانگانانان.
تاریخگرایی	مطالعه تاریخ کتابخانهها، محملهای اطلاعاتی، ردهبندی
عملگرایی و مصلحتگرایی	ردهبندی کتابخانه کنگره
پدیدارشناسی	مبانی نظری حوزه، تعامل شخصی در نظریه مرجع، مصاحبه مرجع (تفسیر کتابدار از سؤال مراجعه‌کننده)، بازیابی اطلاعات، نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات کتابشناختی

ب) ضرورت‌های بازسازی نظری علمسنجی

اصولاً بررسی مبانی نظری و معرفتی در تکتک حوزه‌های علوم، یک گام اساسی در پیشبرد هر علم و یک کار ضروری و مداوم به حساب می‌آید و هر حوزه‌ای که از این مسئله غافل شود دچار نقصان و ناکارآمدی خواهد شد. علمسنجی یکی از حوزه‌هایی است که تاکنون با این رویکرد مورد بررسی قرار نگرفته است. از طرفی عمل به توصیه پژوهشگران این حوزه در ایجاد توازن در عمل و نظر (ون ران^۱، ۱۹۹۷)، مستلزم توجه به معرفتشناسی علمسنجی است.

همانطور که پیشتر هم اشاره شد، با توجه به مطالعات اولیه و بررسی اجمالی متون، به نظر میرسد دانشی که اکنون در حوزه علمسنجی وجود دارد، به دلیل تأکید زیاد آن بر کمی‌گرایی و تجربه‌گرایی صرف در سنجش مؤلفه‌های کمی و انسانی، نیاز به بازاندیشی و بازسازی دارد. اهمیت این مسئله هنگامی روشنتر میشود که بدانیم برداشت پژوهشگران از مفاهیم پایه به عنوان پیشفرض و اصول بدیهی، نتایج کلیه پژوهشهای هر حوزه را هدایت خواهد کرد. از طرفی فزونی مسائل مربوط به حوزه علمسنجی که پیش روی پژوهشگران آن قرار دارد، نیاز به شناخت بنیادی از این حوزه را ضروری ساخته است. بررسی این حوزه با رویکرد معرفتشناختی سبب

- خواهد شد تا پیشفرضهایی که مبنای نظر و عمل در حوزه علمسنجی است و توسط صاحب نظران این حوزه به کار گرفته میشود، شناسایی شود، مورد ارزیابی جدی قرار بگیرد، و در صورت لزوم، بازسازی و تکمیل و بنیادهای استوارتری به دست داده شود.
- شناسایی مبانی تاریخی و معرفتشناختی، تبیین علمسنجی در چارچوب علم اطلاعات یا
- در بین دیگر حوزههای دانش و تلاش در جهت برطرف نمودن موانع و محدودیتهای معرفت
- شناختی علمسنجی، با بهرهگیری از رویکردهای نوین معرفتشناختی و کمک به ارتقاء کیفی علم
- سنجی با هماهنگسازی آن با رویکردهای نوین معرفتشناختی به منظور کارآمدسازی آن در
- عصر کنونی یکی دیگر از مهمترین ضرورتها و فوائد مطالعه علمسنجی با رویکرد معرفت شناختی است.
- به کارگیری فنون، روشها و شاخصهای علمسنجی مستلزم آگاهی از ابعاد، حد و حدود و بُرد معرفتی استفاده از این ابزارهاست. دستیابی به چنین دانشی مستلزم توجه به معرفتشناسی علمسنجی است. از طرفی ارزیابی میزان روایی دستاوردهای علمسنجی و چگونگی استفاده از این دستاوردها موضوعی است که امروزه جوامع مختلف با آن دست و پنجه نرم میکنند. در این راستا سؤالات زیادی را میتوان طرح کرد که بایستی در بررسی معرفتشناختی علمسنجی مورد توجه قرار بگیرند.
- به نظر میرسد که نوع معرفت در علمسنجی با رویکردهای گذشته معرفتشناسی که تا
- حدودی سنتی و منسوخ یا تک بُعدی است، پیوند دارد. در حالی که جامعیت ارزیابیهای علم سنجی مستلزم استفاده از تمام دانشها و تغذیه از معرفتشناسی روز است. از این رو میتوان پرسید که آیا شیوههای کنونی سنجش برون دادهای علمی با دیدگاههای معرفتشناختی روز همخوانی و هماهنگی دارد.
- ایده علمسنجی در طول زمان شکل گرفته و توسعه یافته است. این اندیشه دستاوردهای زیادی برای افراد، گروهها، سازمانها، دولتها و به طور کلی در سطح جهان داشته و دارد. در
- تقابل با این دستاوردها، انتقادهای زیادی هم در رابطه با استفاده از علمسنجی در ارزیابی فعالیت

های علمی - پژوهشی، میزان معرفتبخشی و روایی یافته‌های این حوزه وارد شده، و باعث تردید در مبانی و چارچوب نظری آن گردیده است، به طوری که امروزه این سؤال پیش آمده که آیا به راستی هر آنچه که در علمسنجی صورت میگیرد، مبنای مستحکم و علمی دارد و از منطق خاصی پیروی میکند (منظور معرفتبخش بودن آن است) یا مبتنی بر عادت و اقتباس و برگرفته از رویکردهای سنتی (یا شاید منسوخ) معرفتشناسی است؟ از این رو بازاندیشی، بازنگری و بازسازی این اندیشه از طریق بررسی مبانی تاریخی و تحلیل جایگاه کنونی آن در میان دیگر حوزه‌های دانش، سبب استفاده بهینه از این اندیشه در زمان حال و آینده میشود. ارتقاء چارچوب نظری علمسنجی به درک بهتر آن و به کارگیری درست آن در عمل، منتهی خواهد شد. این مسئله به خصوص هنگامی اهمیت بیشتری پیدا میکند که بدانیم امروزه استفاده از روشها، شاخصها و فنون علمسنجی با سؤالات نظری و عملی زیادی روبه‌رو شده‌اند که میزان روایی و اساس به کارگیری این سنجها را مورد تردید قرار میدهند.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش تحلیل تاریخی و معرفتشناختی مبانی و خاستگاههای مفاهیم، اندیشهها و نظریههایی است که در حوزه علمسنجی وجود دارد. منظور از انجام این کار عبارت است از: تبیین و روش‌نمودن مفاهیم، زیربنای نظری و اساس حوزه علمسنجی و تعیین جایگاه آن در حوزه کتابداری و علم اطلاعات، دیگر حوزههای سنجشی، سایر حوزههای دانش، و به طور کلی در عصر حاضر و در جامعه اطلاعاتی و معرفتی، و روشن نمودن افقهای آینده این حوزه. مطالعه خاستگاه تاریخی و معرفتشناختی اندیشهها و نظریههای حوزه علمسنجی به منظور شناسایی عناصر تأثیرگذار در این روند و رسیدن به یک برداشت جامع از این حوزه، باعث درکی عمیقتر از حوزه علمسنجی میشود و ریشههای شکلگیری این مفهوم و تنوع دیدگاهها را روشن مینماید و برداشت ما را از این حوزه دقیقتر خواهد کرد. اهداف فرعی این پژوهش فهرستوار عبارتند از: